

تحلیل و بررسی رویکرد فقه امامیه و حقوق کیفری ایران در رابطه با قتل در فراش

سید پوریا دستورز^۱، حسین خسروی^۲، سمیرا گلخندان^۳

^{۱،۲،۳} گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران

چکیده

منظور از قتل در فراش به قتل رساندن زن و مرد اجنبی به هنگام مشاهده عمل زنا توسط شوهر می باشد. البته اگر در این عمل زن مطاوعه نکند و یا مکره باشد آنگاه فقط قتل زانی توسط شوهر مجاز شمرده می شود. در این مقاله به بررسی مستندات فقهی و مطالعه روایات و نظریات و اقوال مختلف فقهای شیعه در مورد قتل در فراش خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: قتل، فراش، فقه امامیه، حقوق ایران.

مقدمه

قتل عمد عبارت است از رفتار بدون مجوز قانونی عمدی و آگاهانه یک انسان به نحوی که منتهی به مرگ انسان دیگری شود (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۴۸) قتل در فراش، کشتن زن خیانتکار و مرد اجنبی زانی با وی است در حال زنا و حین مشاهده توسط شوهر (ایمانی، ۱۳۸۲: ۳۶۳) شرط صدق فراش وقوع عقد ازدواج و احتمال انزال است و دخول لازم نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۴۹۶).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بسیاری از مواد قانون مجازات عمومی پیش از انقلاب اسلامی دستخوش تغییراتی گردید؛ از جمله ماده ۱۷۹ ق.م.ع. مصوب سال ۱۳۵۲. در این ماده آمده است: «هرگاه شوهری، زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است، مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود، معاف از مجازات است». در این ماده، قتل دختر یا خواهر نیز در چنین شرایطی، از عوامل تخفیف مجازات اعلام شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این ماده در سال ۱۳۷۵ با تغییرات اساسی مواجه شد. ماده ۶۳۰ ق.م.ا. بیان می‌کند: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

اگر در گذشته قتل ناموسی خبرساز نبود و پایمال کردن حق حیات هر زن در سکوت مرگبار خانواده، جامعه، حکومت و رسانه ها به فراموشی سپرده می شد، امروز چشم پوشی کردن از این جنایت به آسانی امکان پذیر نیست. امروز صدای قربانیان در رسانه ها، مجالس قانونگذاری، مجامع حقوقی و محافل دانشگاهی شنیده میشود. این در حالی است که ما در دورانی به سر میبریم که زنان هم دوش و هم گام با مردان در صحنه های مختلف سیاسی، اجتماعی، هنری و... حضور چشم گیری دارند و لازمه این حضور ارتباط با مردان دیگر است. در قوانین ایران طبق ماده ۶۳۰ تعزیرات هر گاه مرد همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی دیده و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند هر دوی آنها را به قتل برساند که مبنای این ماده فتاوی فقها می باشد که البته نظرات مخالفی هم بین برخی از علما همانند ابوالقاسم خوئی مطرح شده است، این همان ماده قانونی است که بر مبنای آن بسیاری از افراد مرتکب قتل های ناموسی میشوند، بدون اینکه کیفری سخت را در انتظار خود ببینند؛ و همچنین تبصره ۲ ماده ۲۹۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ سابق که یکی از مواد جنجالی در رویه قضایی ایران بوده است که قانون گذار با تصویب این تبصره اعتقاد به قصاص یا مهدورالدم بودن را در قتل موثر دانسته و اجازه کشتن افراد جامعه را به دست افراد غیر ذیصلاح داده بود، البته در قانون جدید (ق.م.ا. ۱۳۹۲) مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ به شکلی دیگر بیانگر همان موضوع تبصره ۲ ماده ۲۹۵ ق.م.ا. منسوخ شده می باشد و همچنان این مهم که هر فردی صرف اعتقاد به جایز بودن قتل فردی دیگر بتواند او را به قتل برساند پا بر جاست و این نقیصه از قانون ما حذف نشده است (فرازی، ۱۳۹۲: چکیده).

لزوم تدوین قوانین مناسب، منطقی و هماهنگ و همسو با ساختارهای متفاوت جامعه از نیازهای مهم و ضروری مخاطبان قانون به شمار می رود. این موضوع به ویژه زمانی بیشتر نمود پیدا می کند که موقعیت و سطح فرهنگی جامعه و شرایط زمانی و مکانی آن متحول شده و اوضاع و احوال جدیدی بر آن حاکم گردد. این حکم در حال حاضر در ماده ۶۳۰ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ وارد شده پیش از انقلاب اسلامی در ماده ۱۷۹ از قانون مجازات عمومی مورد اشاره قرار گرفته بود. این حکم از لحاظ حقوقی با هیچیک از تئوری های موجود در باب توجیه مبنای معافیت شوهر از مجازات قتل عمدی ارتكابی قابل توجیه نبوده و پیش بینی حکمی است استثنایی با استناد به اخبار محکم وارده از ناحیه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) از جمله فقهای معاصر من جمله امام خمینی (ره) در زمره آن دسته از فقهایی هستند که معتقدند اشکالات و ایرادات وارده به سند این اخبار و یا دلالت آنها قابل پاسخگویی هستند. از لحاظ حقوقی و فقهی ایرادات فراوانی به مفاد و مدلول مفهوم و منطبق ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ وارد شده است که در جای خود اهمیت و ضرورت این موضوع را تبیین می نماید (دست ورز، ۱۳۹۵: ۴). لذا با در نظر گرفتن این ضرورت مقاله حاضر در صدد است تا به پاسخی روشن در جواب به این سؤال دست یابد که مفهوم و پیشینه قتل در فراش از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران چیست؟

معنای لغوی فراش

الفراش یعنی گستردن، در آیه قرآن کریم است که: «الذی جعل لکم الارض فراشا» (بقره / ۲۲)؛ خدایی که زمین را برای شما گسترده گردانید. فراش گاهی در معنای «مفروش» به کار می رود یعنی آن چه که برای نشستن یا خوابیدن بر روی آن روی زمین پهن می شود (دست ورز، ۱۳۹۵: ۱۵).

همچنین از آن به معنای زن یا مرد یا هریک از دو همسر یاد شده است و زوج و زوجه فراش یکدیگر خوانده می شوند (معین، ۱۳۶۲: ۲۰۵۳).

معنای اصطلاحی فراش

در اصطلاح منظور از فراش «زن» می باشد از آن جهت که شوهر حق دارد با او بخوابد و نیز به خود شوهر هم که زوج شرعی و صاحب فراش (همسر) می باشد اطلاق می گردد (لطفی، ۱۳۸۱: ۲۵۳). با توجه به کثرت استعمال فراش در نزدیکی و مقاربت می توان گفت فراش کنایه از همان مواقع و نزدیکی است (دست ورز، ۱۳۹۵: ۱۶).

مفهوم حقوقی قتل در فراش

اصطلاح فراش بالصراحه در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی نیامده لیکن چون این کلمه در ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق ذکر شده بود و هم اکنون نیز از قتلی که به هنگام مشاهده زنا توسط شوهر به وقوع می پیوندد تحت عنوان قتل در فراش یاد می کنند (لطفی، ۱۳۸۱: ۲۴۷).

در ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ آمده بود: هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالیکه به منزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود معاف از مجازات است.

همانگونه که برخی حقوقدانان گفته اند مقصود از «حالتی که به منزله وجود در یک فراش» است حالتی است که ابتدا بیننده را به اشتباه وادارد که آن دو مشغول نزدیکی هستند در صورتی که واقعا چنان نباشد مثل اینکه مرد اجنبی و زن لخت بر روی هم قرار گرفته باشند مشاهده چنین صحنه ای موجب توهم انجام واقعه می شود (علی آبادی، ۱۳۶۸: ۲۴۰).

سوابق قانونی قتل در فراش قبل از انقلاب اسلامی ایران

در ماده یک قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ به عنوان اولین قانون موضوعه کیفری ایران آمده بود: «مجازات های مصرحه در این قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر و در محاکم عدلیه مجری خواهد بود و جرمهایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود، بر طبق حدود و تعزیرات مقرر در شرع، مجازات می شوند.»

بدین ترتیب قانونگذار ایران تحت تاثیر موقعیت آن روز و جهت جلب نظر و اعتماد علما و متشرعان، بدون اشاره به جرائم و مجازات های اسلامی و چگونگی تعقیب و محاکم صالح، جهت رسیدگی به این جرائم، در عمل عدم پایبندی خود به جرائم و مجازات های اسلامی را نشان داده و به خاطر عدم قدرت علما در اجرای مجازات های اسلامی، حدود و تعزیرات شرعی از جهت اجرائی متروک شدند. ماده ۱۷۹ همانطور که شرح آن رفت در باره قتل در فراش و معافیت از مجازات شوهر در به قتل رساندن، ضرب و جرح زن یا مرد اجنبی یا هر دو به هنگام مشاهده آن ها در فراش یا در حالیکه به منزله وجود در یک فراش است، اشعار دارد.

در عین حال در تصویب اینم ماده هم توجهی به نظریات فقها نشده است و لذا در ادامه همین ماده می خوانیم: «هرگاه کسی به طریق مزبور، دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند و در حقیقت هم عاقله زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود، از یک ماه تا شش ماه به حبس تادیبی محکوم خواهد شد...؛ زیرا فقها جواز قتل را صرفا در خصوص زنای همسر گفته اند نه سایر

محارم. در خصوص همسر هم مشاهده در حال زنا، مجوز قتل است نه وجود در یک فراش یا به منزله یک فراش» (دست ورز، ۱۳۹۵: ۲۰).

با توجه به اینکه تصویب ماده یک قانون مجازات عمومی صرفاً جهت رضایت علما و متدینان بود، با استقرار کامل دادگستری و فراهم شدن شرایط، قانونگذار در سال ۱۳۵۲ ماده یک این قانون را به این شرح اصلاح کرد: «قانون مجازات راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می‌شود». ماده ۲ همین قانون نیز تصریح می‌کند: «هر فعل یا ترک فعل که به موجب قانون قابل مجازات باشد، جرم است و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آن که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی یا تربیتی تعیین شده باشد». بنابراین به صورت کامل، راه بر اجرای حدود و تعزیرات اسلامی بسته شد و تنها موردی که در قانون مذکور با فقه تطابق داشت، قتل در مقام دفاع بود که آن هم بر اساس حقوق عرفی در قانون مجازات وارد شد؛ بنابراین در قوانین مجازات ایران قبل از پیروزی انقلاب و خصوصاً بعد از اصلاحات سال ۱۳۵۲ بحثی از مجازات‌های اسلامی نیست و در عمل، کشتن شخص به عنوان مهدورالدم شرعی منتفی بود و جواز قتل زانی و زانیه در فراش، بر مبنای تحریک و برگرفته از حقوق عرفی بود (دست ورز، ۱۳۹۵: ۲۰).

قوانین بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اسلامی شدن قوانین کیفری و حقوقی، قانون‌گذار جهت اسلامی کردن قوانین بر اساس منابع فقهی و فتاوی‌ای امام خمینی (ره) به وضع قانون حدود و قصاص و دیات و تعزیرات اقدام کرد و در نتیجه آن تغییرات و تحولاتی در قوانین موضوعه بعد از انقلاب صورت گرفته است که مواد ۱۷۹ و ۶۳۰ ق.م.ا در باره قتل زوجه و اجنبی در حال زنا از آن‌هاست. به رغم وجود ماده ۱۷۹ در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ قانونگذار در تصویب قانون حدود و قصاص و تعزیرات در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ و اصلاحات سال ۱۳۷۰ اشاره ای به جواز قتل زوجه در حال زنا توسط همسر ننموده است. ولی قانونگذار در تصویب قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ در ماده ۶۳۰ به شوهر اجازه داده است که در صورت مشاهده همسر خود در حال زنا در صورت علم به مطاوعت زوجه، زوجه و اجنبی را به قتل برساند. «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند» قیود مذکور در ماده ۶۳۰ جواز را بسیار محدود و فقط به مورد مشاهده و در صورت علم به رضایت زن منحصر کرده است (فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، ۱۴۶).

آیات قرآن و روایات اسلامی

دین مبین اسلام که کاملترین دین الهی است با تعالیم پر فیض خود همواره انسان‌ها را به راه راست هدایت نموده است و از کارهای ناشایست که موجب گمراهی انسان شده ویرا از مسیر تعالی منحرف می‌نماید نهی می‌کند. همانا هدف خداوند رحمن از خلقت انسان تعالی به سوی حق و رشد و شکوفایی استعدادهای درونی اوست و این هدف تعالی هنگامی به منصف ظهور خواهد رسید که انسان برای زندگی خود مسیر سالمی را انتخاب نموده و با ارتکاب اعمال منافی اخلاق و عفت موجب تباهی خود و جامعه نشود. با تعمق در تعالیم دین اسلام می‌توان دریافت این دین در جهت حفظ مصالح جوامع انسانی و اهداف گفته شده دستورات فوق العاده دقیق و منطقی داشته و در برخورد با جرائم شرایط خاصی را مطرح و به دان عمل می‌نماید. یکی از جرائم مهمی که در اسلام مطرح گردیده رابطه نامشروع زن و مرد خارج از علقه زوجیت می‌باشد که مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته شده و تحت شرایطی در صورت احراز مرتکب را مستحق کیفر می‌داند. در این رابطه می‌توان به آیات و روایات فراوانی اشاره نمود که به نمونه ایی از آن در زیر اشاره می‌کنیم:

آیه ۱۵ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْأُفْحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» و از زن‌های شما آنان که عمل زشت (زنا یا مساحقه)

مرتکب می شوند (ای حاکمان اسلامی به وسیله کسی که این تهمت را زده) چهار نفر مرد از خودتان (از مؤمنان) را بر آنها به گواهی طلبید، پس اگر گواهی دادند آنها را (به کیفر این عمل به عنوان حبس ابد) در خانه ها نگه دارید تا مرگ جان آنها را بگیرد یا خداوند برای آنها راهی (دیگر) قرار دهد. (این حکم در صدر اسلام بود و پس از آن راه دیگر این شد که به جای حبس ابد، حد زنا بر آنان جاری گردد).

برخی از مفسران چنین اظهار نظر کرده‌اند که مجازات حبس ابد در صدر اسلام مختص زنان بوده است و این حکم، از واژه «وَاللَّاتِي» به کار رفته در آیه به نیکی استفاده می‌شود. همانگونه که از کلمه «نِسَائِكُمْ» استنباط می‌گردد که این حکم ویژه زنان است نه دختران زیرا کلمه نساء فقط به زن گفته می‌شود؛ و حکم دیگری را نیز مفسران از این آیه استنباط کرده‌اند و آن این-که مراد زنان شوهردار است زیرا کلمه نساء به کلمه (کم) اضافه شده است؛ یعنی زنان شما. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۱۱۸) اثبات ادله دعوی یکی دیگر از مسائل مهمی است که مفسران بر آن توجه داشته‌اند و از جمله «فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيَّهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ» ادله اثبات دعوا را استنباط کرده‌اند و گفته‌اند: اولاً: شهود باید چهار نفر باشند. ثانیاً: مرد باشند. زیرا کلمه: (أَرْبَعَةً) برای مرد به کار می‌رود و ثالثاً: مسلمان باشند. (منکم) رابعاً: شهادت باید صریح باشد: «و لا بد أن يشهد كل واحد من الأربعة شهادة صريحة في ولوج الذكر في الفرج تماماً كالميل في المكحلة». (مغنیه، همان) خامساً: در صورت اختلاف شهادت و یا کمبود شهادت از چهار نفر، هرکدام از گواهان ۸۰ ضربه شلاق می‌خورد. «فإن نقص الشهود عن الأربعة، أو اختلفت شهادتهم و لم تتوارد على شيء واحد جلد كل واحد منهم ثمانين جلده و كل من يرمى امرأة أو رجلاً بالزنا و لم يأت بأربعة عدول يشهدون على النحو المتقدم - يجلد ثمانين. هرچند برخی از مفسران گفته‌اند که خطاب کلمه (مِنْكُمْ) خطاب به مسلمانان می‌باشد؛ و بعضی از مفسران فرموده‌اند: این خطاب متوجه حکام و پیشوایان است. همانگونه که در آغاز بیان شد آیه شریفه بیان-گر مجازات حکم حبس ابد برای زنان فاحشه است و این حکم از جمله به کار رفته در آیه به وضوح قابل استنباط است «فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ» حبس ابد برای زنان فاحشه بدین معناست که این-گونه زنان را در خانه‌ها نگاه دارید تا موت آنان فرارسد. زیرا معنای کلمه: «يَتَوَفَّاهُنَّ» بر اساس لغت به معنای درک نمودن و گرفتن است؛ و این بهترین دستوری است برای کنترل این-گونه زنان در روزگار گذشته است. (الکاشف، ۱۴۲۴، ج ۲، ص: ۲۷۱)

مراد از «فاحشه» چیست؟ مفسران وحدت نظر ندارند و با توجه به موقعیت سیاقی کلمه در قرآن معنای فاحشه در همه جا یکسان نیست و به همین خاطر است که برخی از مفسران برای «فاحشه» چهار معنا متفاوت بیان کرده است:

اولاً فاحشه به معنای «زنا» آمده است و اکثر مفسران واژه فاحشه در آیه فوق «وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ» را به معنای زنا گرفته‌اند. ثانیاً فاحشه بمعنای «نشوز» و نافرمانی زن از مرد خود به-کار رفته است، «و لا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ» و (ثالثاً) فاحشه به معنی «لواط» و هم جنس-گرایی نیز به-کار رفته است، (وَلَوْطاً إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (عنكبوت/ ۵۴(۲۹) أَلَيْسَ لِكُلِّ ذَا نَبْهٍ لِّغَايَةِ مَا يَرْغَبُونَ وَكُلٌّ فِي أَفْهَامٍ خَلِيلٍ وَكَرِيمٍ (۵۵) «الْفَاحِشَةُ» در این-جا کنایه از «همجنس-گرایی» است. در خصوص این مورد تفسیر نمونه و دیگر مفسران نیز فاحشه را به معنای هم جنس گرایی می‌دانند. (نمونه ج ۳، ۴۹۹) رابعاً فاحشه به معنای عام «نا بکار» استفاده شده است. «ان الذین یحبون ان تشیع الفحشۃ فی الذین ءامنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخرۃ و اللہ یعلم و انتم لا تعلمون (نور/ ۱۹)

نسخ آیه ۱۵ سوره نسا با آیه ۲ سوره نور

یکی از مهم-ترین مباحث علوم قرآنی بحث از وجود نسخ و عدم آن در قرآن است در مورد نسخ، بسیاری از مفسران معتقد به نسخ در قرآن است هرچند راجع به نوع نسخ و این که نسخ در تلاوت باشد، یا نسخ در حکم و یا هر دو میان عالمان فریقین وحدت نظر وجود ندارد. یکی از مباحث مطرح در دو آیه فوق الذکر این است که آیا آیه ۲ سوره نور، آیه ۱۵ سوره نساء را نسخ کرده است یا خیر، در باره نسخ آیه مذکور با توجه به گفته مفسران می‌توان عمدتاً دو دیدگاه مختلف را ارائه داد:

الف) بیش-تر مفسران که در این آیه «الْفَاحِشَةُ» را به معنای خاص زنا معنا کرده‌اند، حکم «فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ» را منسوخ

دانسته‌اند.

(ب) برخی دیگر از مفسران که فاحشه را به معنای هم جنس-گرایی و یا به معنای عام گرفته اند، حکم آیه را ثابت دانسته است.

فائیلین به عدم نسخ:

آیت الله طالقانی در کتاب پرتو از قرآن بر این باور است که در این آیه قرینه‌ای نیست که «الفاحشه» به معنای خاص زنا یا مساحقه باشد؛ و نیز نسخ صریح این آیه نه دلیل محکم و قانع کننده‌ای دارد و نه ناسخ صریحی. «ألفاحِشَةً» معنای عام دارد. هرگونه عمل و سخن زشت رسواگر و بی-شرمانه و شهوانی غیر قانونی را شامل است نه صرف همین کار زنا یا زناکاری. (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۱۰۶) بر این اساس وقتی فاحشه در آیه مورد نظر در خصوص زنا نباشد، آیه که بعد از آن نازل شده است نمی‌تواند ناسخ باشد.

آیت الله العظمی خوی معتقد است که در این دو آیه اصلاً نسخی در کار نیست: مراد از فاحشه، عملی است بسیار زشت و ناپسند که این عمل گاهی میان دو زن است که مساحقه نامیده می‌شود و گاهی میان دو مرد است که آن را لواط می‌نامند و گاهی میان مرد و زن است که می‌شود زنا؛ و لفظ فاحشه هیچ ظهوری در خصوص زنا ندارد نه از نظر وضع و نه از نظر انصراف...

احتمال دارد مراد از فاحشه، تنها مساحقه باشد چنان-که در آیه دیگر منظور فقط لواط است و احتمال دارد مراد از فاحشه چیزی اعم از مساحقه و زنا باشد و بنابراین دو احتمال، حکم این است که واجب است زنی که مرتکب فاحشه شده است در خانه نگهداری شود تا خدا برای او گشایشی ایجاد کند و اجازه خروج از خانه را به او بدهد و این گشایش ممکن است با یکی از این موارد تحقق یابد: زن توبه واقعی نماید به طوری که از تکرار فاحشه، ایمنی حاصل شود یا زن به جهت بزرگسالی از قابلیت بیفتد و به طور طبیعی مرتکب فاحشه نشود و یا این که زن مایل به ازدواج شود و با مردی ازدواج کند که او را حفظ کند و یا دیگر اسبابی که بتواند او را از ارتکاب فاحشه باز دارد و این حکم امساک در خانه همیشگی است (نسخ نشده و نسخ نمی‌شود) و اما تازیانه، حکم دیگری است که برای تأدیب مرتکبان فاحشه تشریح شده است و ربطی به حکم اول ندارد که ناسخ آن باشد به تعبیر دیگر، حکم اولی برای پیش‌گیری از تکرار ارتکاب فاحشه تشریح شده است و حکم دوم، برای کیفر ارتکاب فاحشه و برای عبرت دیگر زنان از انجام چنین گناهی. پس اصلاً منافاتی میان دو حکم نیست تا اولی با دومی نسخ شده باشد. آری اگر زن به سنگسار شدن یا تازیانه خوردن از دنیا رفت، لزوم امساک در خانه از میان می‌رود؛ چون نتیجه حاصل شده است و در غیر این مورد، حکم هم چنان باقی است تا زمانی که خداوند برای آنها گشایشی حاصل نکرده باشد.

خلاصه کلام این که هرکس در معنای آیه دقت کند چیزی در باره نسخ به نظرش نمی‌رسد و فرقی نمی‌کند آیه «جلد» پس از آن آمده باشد و یا پیش از آن. (خویی، ص ۲۳۱)

در کتاب تفسیر شاهی آمده است مراد از فاحشه در این آیه شریفه سحوق است به دلالت قوله تعالی «مِنْ نِسَائِكُمْ» به جهت این که مراد از من نشویه است یعنی اتیان فاحشه ناشی از زنان بوده بمعنی این که هر دو طرف از فاعل و مفعول طایفه زنان می‌باشند چنانچه تفصیلاً در کتاب اثبات الایات بیان نموده‌ایم و بنا بر این که حکم مستفاد از آیه ثابت بوده ایداً نسخی به آن راه نیافته است و تبادل ناشی از حاق لفظ نیست و اطلاق لفظ فاحشه به مطلق عمل قبیح شایع است. (جرجانی، بی تا ج ۲، ص ۶۵۲)

فائیلین به نسخ

همانطور که بیان گردید برخی از مفسران معتقد به نسخ اند:

در باور اینان ظاهر مراد از فاحشه در اینجا آن‌طور که جمهور مفسران گفته‌اند- زناست و روایت کرده‌اند که پیامبر (ص) موقع نزول آیه «جلد» فرمود: جلد همان سبیلی است که خداوند برای زنان، هنگامی که زنا کنند قرار داده و ظهور آیه هم شاهد

است که این حکم به زودی نسخ می‌شود؛ چون می‌فرماید: «یا اینکه خداوند راهی برای ایشان قرار دهد» (منتظری، ص ۱۴۷) و برخی دیگر بیان داشته است که آیه ۲ سوره نور با سنت پیامبر (ص) مبنی بر سنگسار کردن زنا محصن، نسخ شده است (مجاهد طباطبایی، بی تا ص ۲۶۶) و برخی هم گفته است که حکم آیه ۱۵ سوره نساء با حکم سنگسار کردن محصن - که سنت پیامبر است - نسخ شده است. (حلی، ۱۴۰۳، ق، ص ۱۷۳)

علی ابن ابراهیم قمی نقل می‌کند: «در جاهلیت اگر مرد زنا می‌کرد مورد آزار قرر می‌گرفت و زن زنا کار درخانه‌ای حبس می‌شد تا بمیرد. بعد آیه: «الزانیه و الزانی» آن را نسخ کرد. (تقمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳)

در تفسیر عیاشی سمرقندی، آمده است که ابابصیر از امام صادق (ع) از تفسیر آیه پرسید و حضرت پاسخ داد: آیه «واللّتی یأتین الفاحشه من نسائکم... سبیلا» هذه منسوخه. قال: قلت: کیف کانت؟ قال: کانت المرأه اذا فجرت فقام علیها اربعه شهود، ادخلت بیتا و لم تحدث و لم تکلم و لم تجالس و اوتیت فیه بطعامها و شراہها حتّی تموت. قلت: فقولہ: «او يجعل الله لهنّ سبیلا» قال: جعل السبیل الجلد و الرجم و الامساک فی البیوت. (عیاشی، ج ۱، بی تا ص ۲۲۷)

علامه طبرسی «..فأمسکوهن» یعنی آنان را در خانه حبس کنید تا مرگ آنان فرا رسد و در آن خانه بمیرند. در آغاز اسلام چنین بود که اگر زنی زنا می‌داد و چهار مرد شهادت می‌دادند در خانه حبس می‌شد تا بمیرد. سپس این حکم، با حکم سنگسار در شوهردار و تازیانه در باکره، نسخ شد. (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۵۷ و ۷۵۸)

در تفسیر صافی از تفسیر عیاشی از امام صادق روایت آورده که در زیر آیه ۱۵ سوره مبارکه نساء فرمود: این آیه نسخ شده است و منظور از سبیل همان حدودی است که باید جاری شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ۳۷۰ به نقل از تفسیر صافی، ج ۱، ۳۳۹).

در تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) روایت آورده که شخصی از آن جناب از این آیه سؤال کرد حضرتش فرمود: «این آیه نسخ شده» شخص دیگر پرسید آن روزها که نسخ نشده بود به چه صورت مورد عمل قرار می‌گرفت؟ فرمود: به این صورت که اگر زنی زنا می‌داد و چهار نفر علیه او شهادت می‌دادند او را در خانه ای حبس می‌کردند و با او سخن نمی‌گفتند و به سخنش گوش نمی‌سپردند و با او نشست و برخاست نمی‌کردند تنها آب و طعامش را برایش می‌بردند تا بمیرد و یا بعدها خدا راه چاره ای برایش مقرر سازد که ساخت و آن این بود که اگر بی شوهر بوده تازیانه اش بزنند و اگر شوهر دار بوده سنگسار شود. شخصی پرسید: معنی آیه «والذان یاتیانها منکم» چیست؟ فرمود معنایش این است که اگر دختر بکر همین عمل زشتی را که اگر زن بیوه مرتکب آن شد به آنت گرفتاری مبتلا می‌گشت مرتکب شود، باید شکنجه شود، آن گاه در پاسخ از سؤال از معنای شکنجه فرمود: یعنی حبس می‌شود... (همان، به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ۲۲۷-۲۲۸).

رویکرد فقهی به قتل در فراس

دیدگاه مشهور فقهای شیعه این است که چنانچه کسی همسر خویش را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند و علم به مطاوعه و رضایت زن داشته باشد، مجاز به قتل زوجه و زانی اجنبی است؛ لیکن بعضی از فقها از جمله شیخ طوسی و ابن ادریس بر قید رضایت و مطاوعت زن احسان زن و مرد زانی را هم لازم دانسته اند و بعضی دیگر قائل به عدم جواز قتل هستند (دست و رز، ۱۳۹۵: ۲۹).

مشهور فقها معتقدند: «ولو وجد مع زوجته رجلا یزنی بها فله قتلها» فیما بینه و بین الله تعالی (ولا اثم علیه) بذلک وإن کان استیفاء الحد فی غیره منوطا بالحاکم. هذا هو المشهور بین الأصحاب لا نعلم فیه مخالفا. وهو مروی أيضا... وهذا الحکم بحسب الواقع كما ذکر (ولکن) فی الظاهر (یجب) علیه (القود) مع إقراره بقتله، أو قیام البینه به (إلا مع) اقامته (البینه) علی دعواه (أو التصدیق) من ولی المقتول، لأصله عدم استحقاقه القتل، وعدم الفعل المدعی». (شهید ثانی، ۱۴۱۱، ق: ج ۹، صص ۱۲۲-۱۲۰)، «هرگاه شوهری همسر خود را با مرد اجنبی در حال زنا دید و آن دو را به قتل برساند، اگر چه از نظر اخروی گناهی مرتکب نشده است؛ اما از نظر حقوقی زوج باید این مسأله را اثبات نماید. حال برای اثبات ادعای خود

باید یا بینه اقامه کند یا اولیای دم، ادعای وی را تصدیق نمایند؛ زیرا اصل اقتضا می‌کند که مجنی‌علیه مستحق قتل نبوده و عمل زنا که مورد ادعای قاتل می‌باشد، واقع نشده است.»

- محقق اردبیلی در این رابطه می‌فرماید: «ودلیله كأنه الاجماع المؤید بالاعتبار العقلي و صحیحه داود بن فرقد. ولكن اصل الحكم مشهور، بل يمكن ان يكون اجماعيا حيث لم يذكر الخلاف... هذا بحسب نفس الامر و اما بحسب ظاهر الشرع فهو مؤاخذ بذلك فيقتص منه الا ان يجيء بالشهود المثبت لذلك او صدقه ولي الدم بذلك». (محقق اردبیلی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱۳، ص ۹۵)، «اصل این حکم که شوهر در صورت مشاهده زنا همسرش با مرد دیگر و ارتکاب قتل، مجازات اخروی ندارد، گویا یک حکم اجماعی است و علاوه بر این موید به حکم عقل نیز می‌باشد. دلیل دیگر روایت «داود بن فرقد» است که از امام صادق (ع) نقل شده است. اصل این حکم مشهور میان فقهاست بلکه ممکن است به حد اجماع رسیده باشد؛ اما این حکم تنها مربوط به عالم واقع و نفس الامر است (یعنی از نظر اخلاقی و اخروی) ولی از نظر ظاهر شرع (یعنی از نظر حقوقی) قاتل مورد بازخواست قرار می‌گیرد. در نتیجه باید قصاص شود مگر آنکه برای اثبات ادعای خود شاهد بیاورد یا ولی دم ادعای او را تصدیق کند.»

- ابن فهد حلی می‌نویسد: «لو قتل وادعی أنه وجد المقتول مع امرأته، قتل به إلا أن یقیم البینه بدعواه». (ابن فهد حلی، سال ۱۴۱۳ ق: ج ۵، ص ۲۱۱)، «هرگاه کسی را بکشد و ادعا کند که مقتول را در بستر زن خود یافته است، قصاص می‌شود مگر آنکه برای ادعای خود بینه اقامه کند.»

- محقق حلی معتقد است: «إذا وجد مع زوجته رجلا یزنی، فله قتلها، ولا إثم علیه وفي الظاهر، علیه القود، إلا أن یأتی علی دعواه بینه، أو یصدقه الولی». (حلی، ۱۴۰۳ ق: ج ۴، ص ۹۴۰)، «هرگاه شوهری همسر خود را با مردی در حال زنا بیابد می‌تواند آن دو را به قتل برساند و از بابت این قتل گناهی مرتکب نشده است؛ (یعنی در روز قیامت مسؤولیتی ندارد). اما در ظاهر (از نظر حقوقی) باید قصاص شود، مگر آنکه برای ادعای خود بینه اقامه کند یا اولیای دم مقتول، وی را تصدیق نمایند.»

- در عبارت علامه حلی نیز مشابه همین عبارات آمده است: «ولو وجد مع زوجته رجلا یزنی بها فله قتلها، ولا إثم، وفي الظاهر یقاد، إلا مع البینه بدعواه، أو یصدقه الولی». (حلی، ۱۴۰۳ ق: ج ۳، ص ۵۳۴) همچنین در کتابی دیگر می‌فرماید: «ومن وجد مع زوجته رجلا یزنی بها فله قتلها، ولا یصدق إلا بالبینه أو تصدیق ولیها». (حلی ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ص ۱۷۴)، «هرگاه شوهری همسر خود را با مردی در حال زنا بیابد می‌تواند آن دو را به قتل برساند ولی ادعای وی پذیرفته نیست، مگر آنکه بینه اقامه کند یا اولیای دم مقتول، وی را تصدیق نمایند.»

- تعبیر فقهای متاخر و معاصر نیز همین‌گونه آمده است: «الثانیة لو قتل رجلا وادعی انه وجد المقتول مع امراته یزنی بها قتل به مع اعترافه بقتله صریحا الا ان یقیم البینه بصدق دعواه». (طباطبائی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ص ۵۱۷)، «هرگاه (زوج) مردی را بکشد و ادعا کند که مقتول را با همسر خود در حال زنا یافته است، در صورتی که صریحا اعتراف به قتل وی کند قصاص می‌شود، مگر آنکه برای صحت ادعای خود بینه اقامه نماید.»

- خوانساری نیز می‌نویسد: «...وادعی أنه وجد المقتول مع امرأته قتل به إلا أن یقیم البینه بدعواه». (خوانساری، ۱۳۵۵: ج ۷، ص ۲۴۸).

- آیت الله خوئی در این باره می‌نویسد: «إذا ادعی الزوج أنه رأى زوجته تزنی فقتلها لذلك من دون أن تكون له بینه علی ذلك، ففي هذه الصورة لا إشکال ولا خلاف فی ثبوت القود علیه». (خوئی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۸۴)، «هرگاه زوج ادعا کند که مردی را با همسر خود در حال زنا دیده و به همین دلیل آن دو را به قتل رسانده است و برای این ادعای خود شاهد معتبر نداشته باشد، در این صورت اتفاق فقها بر این است که قصاص می‌شود.»

- امام خمینی (ره) در این باره به تبعیت از دیدگاه مشهور می‌فرماید: «لو وجد مع زوجته رجلا یزنی بها وعلم بمطاولتها له فله قتلها، ولا إثم علیه ولا قود». (خمینی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ص ۴۹۱، مسأله ۲۸)، «هرگاه شوهری همسر خود را با مردی در

حال زنا بیابد و علم به پیروی زن از مرد اجنبی داشته باشد می‌تواند آن دو را به قتل برساند و از بابت این قتل گناهی مرتکب نشده است و قصاص هم نمی‌شود».

روایات مورد استناد

- شهید اول در کتاب دروس به روایات مرسلی به مضمون «روی انه لو وجد رجلا یزنی بامرته فله قتلها» (شهید اول، ۱۴۱۰ ق، ۴۸). استناد کرده است؛ یعنی اگر شخصی مردی را در حال زنا با همسرش ببیند می‌تواند هر دو را به قتل برساند.

این روایت تنها روایتی است که منطوق آن بر حکم ماده مزبور دلالت دارد با دقت نظر در کتابهایی که قبل از کتاب دروس شهید اول تحریر شده اند معلوم می‌شود که چنین روایتی در هیچ یک از کتابهای فقهی نیامده است و فقهی که بعد از شهید اول به نقل این روایت پرداخته اند، مآخذ روایت را کتاب مذکور قرار داده اند (پناهی، ۱۳۹۴: ۱۶۲).

- روایت سعد بن عباد. در خصوص این روایت نقل کرده اند که پس از نزول آیه چهارم سوره مبارکه نور که بیان کننده حد قذف است بحث این آیه در بین اصحاب پیامبر مطرح شد و اصحاب با خطاب قرار دادن سعد بن عباد به وی گفتند: اگر مرد بیگانه ای را در بستر همسرت ببینی چه میکنی، سعد در پاسخ گفت: گردن مرد بیگانه را با شمشیر می‌زنم. در این هنگام پیامبر وارد شد و موضوع را از سعد پرسیدند و پس از نقل موضوع توسط سعد پیامبر فرمودند: ای سعد پس مسئله چهار شاهد که خداوند فرموده است چه می‌شود؟ (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۹).

- روایت سعید بن مسیب که گفت معاویه به ابوموسی اشعری نوشت مردی در حال زنا با زن ابن ابی الجسرین بود و او زانی را کشت و اکنون حکم مسأله برای من مشکل شده است و تو مخفیانه از علی بن ابی طالب بپرس ابوموسی در راه با امیرالمؤمنین ملاقات کرد از حکم مسأله پرسید امیرالمؤمنین فرمودند که اگر چهار شاهد عادل بر زنا شهادت دهند قاتل قصاص ندارد؛ اما اگر شاهد نیاورد دفع برمه از بین می‌رود کنایه از هلاکت اوست یعنی حکمش قتل به عنوان قصاص است (طباطبایی بروجرودی، ۱۴۲۹: ۲۷).

- روایت فتح بن زید جرجانی از امام کاظم (ع) که نقل می‌کند: به امام عرض کردم کسی به قصد دزدی یا فجور وارد خانه دیگری می‌شود و صاحبخانه او را به قتل می‌رساند، آیا قاتل مجازات می‌شود یا نه؟ امام (ع) فرمودند: بدان هر کس بدون رضای صاحبخانه وارد خانه دیگری شود، خون او هدر است و بر قاتل او چیزی واجب نیست (نجفی، بی تا ۳۷۰).

- روایت منقول از امام صادق (ع) که فرمودند: «هر کس خانه مردم را دید بزند و از روزنه به آنجا نگاه کند و اهل خانه او را مورد اصابت تیر قرار دهند و او را بکشند یا چشم او را کور کنند، مسئولیتی ندارند» (حرعاملی، ۱۴۰۳: باب ۲۵ از ابواب قصاص، حدیث ۶).

دو روایت اخیر از جمله روایاتی هستند که ناظر به بحث دفاع از جان و مال و ناموسند که در آنها ارتکاب قتل به خاطر دفاع و راندن مهاجم تجویز گردیده است. البته باید گفت که در بحث دفاع، مدافع باید آسانترین راه ممکن را برگزیند و چنانچه مهاجم دفع نشود، آخرین راه دفع وی ارتکاب قتل خواهد بود و الا به طور ابتدایی قتل مهاجم جایز نیست (دست ورز، ۱۳۹۵: ۳۱).

- از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت شده که ایشان در مورد مردی که دیگری را کشته و مدعی بود که او را با همسر خود در حال زنا دیده است، فرمودند که قاتل باید قصاص شود، مگر آنکه بر ادعای خود بینه ارائه کند (منتظری، بی تا ۱۳۵).

- روایت نبوی که می‌فرماید «من کابر امراه لیفجر بها فقتله، فلا دیه و لا قود» یعنی کسی که بر زنی وارد شود تا عمل حرام با او انجام دهد چنانچه زن او را بکشد دیه و قصاصی بر عهده زن نیست (حسینی، ۱۳۸۴: ۴۴۱)

- صحیح عبدالله بن سنان از ابی عبدالله (ع) که عرض کرد: «مردی با زنی ازدواج می‌کند و در شب زفاف، زن عمدا رفیقش را فرا می‌خواند و وی وارد حجله می‌شود. بعد از آن در حجله مقاتله می‌شود و مرد، رفیق زن را می‌کشد و زن نیز شوهر خود

را می کشد، حکم موضوع چیست؟ حضرت فرمود: زن ضامن دیه رفیقش است و به خاطر قتل همسرش قصاص می شود (جرعاملی، ۱۴۰۳: باب ۲۱ از ابواب موجبات ضمان از کتاب دیات، حدیث ۱).

از روایات و اخبار اخیر مستفاد می گردد که منطق و مفهوم آنها علی رغم اینکه بسیاری از فقها به عنوان موید حکم به آن استناد کرده اند بر حکم دلالت نمی کنند؛ چرا که مواردی از این روایات بر جواز قتل کسی که بدون اجازه وارد منزل دیگری می شود و او به قصد سرقت یا انجام عمل حرام بدون آن که مرتکب شود، دلالت دارد و موارد دیگری از آنها به جواز دفاع زن از ناموس خود و او مستلزم قتل باشد، دلالت دارد و بعضی دیگر بر عدم مسئولیت شخص در موقعی که خود کشته شده دلالت دارد؛ بنابراین به نظر می رسد که هیچ یک از روایات مذکور متعرض حکم جواز قتل زن و مرد اجنبی توسط شوهر نشده اند (دست ورز، ۱۳۹۵: ۳۲).

شهود و قتل در فراش

برخی از فقها برای اصل لزوم اقامه شهود از نظر حقوقی و نیز عدم مجازات اخروی قاتل به روایت فوق استناد نموده اند. یکی از فقها در این رابطه می فرماید: «...انه محمول علی کون اعتبار الشهود لدفع القود عن نفسه فی الشرع وان لم یکن علیه اثم فیما بینه وبين الله تعالی كما ظهر من الروایة السابقة وفتاوی اصحابنا». (طباطبایی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ص ۵۱۷)، «این روایت حمل بر این معنا می شود که لزوم ارائه شهود برای دفع قصاص است که در ظاهر شرع مستحق آن بود اگر چه بین خود و خدای خود گناهی مرتکب نشده است، چنانکه از روایت سابق و فتوای فقها چنین بر می آید».

اما سخن در این است که روایت یاد شده از برخی جهات مغایر با دیدگاه مشهور به نظر می رسد، چنانکه برخی نیز به این تنافی اشاره نموده اند: «وفی استفادة الحكم المذكور خصوصا التعميم الذی ذکرناه اخذا من قول بعضهم، تأمل ولكن اصل الحكم مشهور، بل یمکن ان یکون اجماعیا حیث لم یذکر الخلاف». (أردبیلی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱۳، ص ۹۴)، «اینکه بتوان از این روایت حتی استفاده عموم نمود، چنانکه برخی از فقها چنین کرده اند، جای تأمل دارد، ولی اصل حکم مشهور؛ بلکه ممکن است به جهت آنکه هیچ فتوای خلافی دیده نشده، حکم اجماعی باشد».

با دقت در این صحیحه مواردی از عدم انطباق کامل آن با نظر مشهور مشاهده می شود که ذیلاً بیان می شود:

الف- در این روایت به لزوم اقامه چهار شاهد تصریح شده است (وکیف بالاربعه الشهود) در حالی که مشهور، برای اثبات ادعا دو شاهد را کافی می دانند. «...لکن المشهور الاکتفاء بالبینه المعهودة». (خوانساری، ۱۳۵۵: ج ۷، ص ۲۵۱).

البته بسیاری از فقها در مورد اینکه دو شاهد یا چهار شاهد لازم است، به طور صریح اظهار نظر نکرده اند و به صورت کلی حکم مساله را بیان نموده اند؛ به گونه ای که ممکن است حمل بر قواعد کلی ادله اثبات در زنا شود که در خصوص شهادت، انصراف به چهار شاهد دارد. یکی از فقها در این باره می نویسد:

«ولو قتلها أو أحدهما قید بالمقتول إن لم یقم بینه علی ما یبیح القتل، ولم یصدقه الولی». (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق: ج ۱۴، ص ۳۹۷)، هرگاه هر دو یا یکی از آن دو را بکشد، اگر بینه برای قتل خویش اقامه نکند یا ولی دم وی را تصدیق نکند، به سبب قتل باید قصاص شود.

امام خمینی (ره) می فرماید: «فلو قتل رجلا وادعی أنه راه مع امرأته، ولم یکن له شهود علی طبق ما قرره الشارع یحکم علیه بالقصاص». (خمینی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ص ۴۹۱)، این مطلب ممکن است اشاره به همین نظریه باشد که برای قتل در فراش، شهادت چهار شاهد، مانند سایر موارد زنا لازم است. اگر چه شاید بتوان ادعا نمود، ظاهر عبارت ایشان درصدد بیان تعداد دو شاهد یا چهار شاهد نبوده، بلکه در مقام بیان حکم کلی بوده است. (علی طبق ما قرره الشارع)

البته برخی بر این عقیده اند که این روایت دلالت بر چهار شاهد دارد. «نعم یستفاد من الصحیحة عدم کفایة البینه أعی

شهادة عدلين و رواية سعيد بن مسيب موافقة لهذه الصحيحة... نعم المعارضة من جهة كيفة الاثبات باقية لكن المشهور الاكتفاء بالبينة المعهودة». (خوانساری، ۱۳۵۵: ج ۷، ص ۲۵۱)، همچنین در روایت صحیح دیگری نیز بر لزوم ارائه چهار شاهد تصریح شده است: «...کذا ما فی صحیح اخر له من قول امیر المؤمنین علیه السلام فی جواب ما کتبه معویة إلى ابي موسى ان ابن ابي الحسين وجد مع امرأته رجلا قتلته ان جاء بأربعة يشهدون علی ما شهد والا دفع برمته». (فاضل هندی، بی تا ج ۲، ۴۰۶).

برخی نیز بر این عقیده اند: «...و حینئذ یجئ الاشکال فی انه هل یشرط عدد شهود الزنا أو یکفی العدلان، قرب العلامة فی تحریره الاكتفاء بالعدلين، وروایة ابن المسیب مصرحة بالاشتراط بالاربعة وكذلك رواية ابن فرقد. والتحقق انا ان اشترطنا مشاهدة هذه الزنا فلا بد من الاربعة، وان اكتفينا بمجرد الوجدان كفی الشاهدان». (احسائی، ۱۴۰۳: ج ۳، ص ۶۰۱) هرگاه برای شهادت در این مساله «مشاهده» در حال زنا لازم باشد، باید حکم به لزوم ارائه چهار شاهد شود و اگر مشاهده لازم نباشد و ادای شهادت فقط برای یافتن در یک فراش باشد، در این صورت دو شاهد کافی است.

(ب)- در روایت صحیح تنها حکم مرد زانی مورد پرسش قرار گرفته است (ما کنت صانعا به؟) و در مورد حکم جواز قتل زن زانی مسکوت می باشد. «أنه لو تمت دلالة تلك الروایات علی جواز القتل، فانما تتم فی خصوص قتل الرجل الزانی، ولا تدل علی جواز قتل الزوجة المزنی بها». (خوئی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۸۷)

به اعتقاد برخی از فقها، تنها روایتی که در خصوص حکم جواز قتل زوجه صریحا تعیین تکلیف نموده، روایت مرسله ای است که شهید اول در دروس نقل کرده و این روایت اگرچه مرسله است، ولی ضعف آن با عمل مشهور جبران می شود. «...واما ضعف المرسله فمنجبر بالشهرة وقد علم مما تقدم ان الروایات الاخری غیر المرسله تدل علی جواز قتل الزانی من حیث الدفاع عن العرض واما بالنسبة إلى الزوجة فهی ساکتة والذی یدل علی کلا الحكمین هو مرسله الشهيد». (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۴۹۳)، «اما ضعف روایت مرسله با عمل مشهور قابل جبران است و قبلاً بیان شد که سایر روایات غیر مرسله در راستای دفاع از عرض، دلالت بر جواز قتل زانی داشته و نسبت به جواز قتل زانیه ساکت است و تنها روایتی که حکم هر دو را بیان نموده روایت شهید اول (در دروس) است».

اما آیت الله خوئی اظهار داشته اند: «نعم أرسل الشهيد (قده) فی الدروس: (أن من رأى زوجته تزنی فله قتلها) وبما أن هذه المرسله لا توجد فی کلام من تقدم علی الشهيد، فلا یحتمل استناد المشهور إليها، لیقال إنها منجبره بعمل المشهور». (خوئی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۸۷)، «از آنجا که این روایت اساساً قبل از شهید اول از هیچ فقیه دیگری نقل نشده است، احتمال اینکه مورد استناد مشهور قرار گرفته باشد، وجود ندارد تا گفته شود که عمل آنان به این روایت موجب جبران آن است».

(ج)- لسان حاکم بر این روایت به گونه ای است که فقط برای اصل عدم مجازات اخروی قابلیت استناد دارد و این روایت نسبت به مجازات دنیوی از نظر حقوقی، با توجه به تاکید پیامبر (ص) نسبت به مساله لزوم چهار شاهد که غالباً در چنین مواردی امکان پذیر نیست، نه تنها بیشتر جنبه بازدارنده داشته و تشویق به قتل نمی کند، بلکه روایت از نظر جواز حقوقی قتل مسکوت است و در مواردی شوهر را مجاز به اجرای حد نمی داند. همچنانکه برخی از فقها نیز از این روایت عدم جواز اقامه حدود برای غیر حاکم شرع را استنباط نموده اند. «بل یستفاد من عدة روایات انه لا یجوز اقامه الحد لکل احد منها صحیحة داود بن فرقد...». (همان، ج ۱، ص ۲۲۵)، «بلکه از روایات متعددی از جمله روایت صحیح داوود بن فرقد چنین برداشت می شود که اقامه حد برای هرکس جایز نیست».

علاوه بر این در روایت صحیح داوود بن فرقد در مقام تعلیل آمده است: «لان الله عزوجل قد جعل لکل شیء حداً وجعل لمن تعدی ذلک الحد حداً». (البرقی، بی تا: ج ۱، ص ۲۷۴)

در این عبارت دو بار کلمه «حد» به کار رفته است که مقصود از حد اول همان حدی است که برای زانی و زانیه مقرر شده است و مقصود از حد دوم همان حدی است که باید یا ممکن است برای قاتل اجرا شود. شاید این تهدید به اجرای حد،

اشاره به عدم مشروعیت باشد یا حداقل اشاره به اینکه چنین فردی بشدت در معرض استحقاق حد قرار دارد و در واقع نوعی هشدار و اخطار به شوهر است تا به جای اقدام شخصی و خودسرانه، موضوع را از طریق قضایی پیگیری نماید.

با توجه به اینکه روایات دیگر که در این حکم مورد استناد فقها قرار گرفته‌اند از جهت دلالت یا سند مخدوش هستند و روایت صحیحه داود بن فرقد هم از نظر دلالت با چنین مشکلاتی مواجه است؛ از این رو، برخی از فقها معتقدند: «فالنتیجه أن شیئا من هذه الروایات لا يدل علی مذهب المشهور، علی أن صحیحة داود بن فرقد ظاهرة فی عدم جواز قتله وأن الله تعالی جعل للزنا حدا وأنه لا يجوز قتل الزانی قبل شهادة الاربعه، فلا يجوز التعدی عنه ومن تعدی فعلیه حد. فما فی الجواهر من أنه یمکن أن تكون الصحیحة بیانا للحکم فی الظاهر، وأنه لا مانع من قتله فی الواقع ولا اثم علیه لا یمکن المساعده علیه، فانه خلاف ظاهر الصحیحة، فلا یمکن الالتزام به بلا دلیل ولاقرینه». (خوئی، بی تا ج ۲، ص ۸۶)، «هیچ یک از این روایات دلالت بر دیدگاه مشهور ندارد.

افزون بر این، صحیحه داوود بن فرقد دلالت بر عدم جواز قتل دارد و اینکه خداوند برای زنا حدی قرار داده است و کسی که از این حد تجاوز کند خود مستحق حد است؛ بنابراین، ادعای صاحب جواهر مبنی بر اینکه ممکن است صحیحه در مقام بیان حکم ظاهری باشد (حکم حقوقی) و اینکه در واقع منعی برای کشتن نیست و گناهی از این جهت مرتکب نشده است، (درست به نظر نمی رسد زیرا) ظاهر صحیحه بر خلاف این ادعا دلالت دارد از این رو نمی توان بدون دلیل و شاهدهی بدان ملتزم شد» (دست ورز، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۲).

نتیجه گیری

قتل در فراش از جمله مباحث بحث برانگیز موجود در حقوق جزا می باشد که مناقشات زیادی را بین اندیشمندان و حقوقدانان به ویژه پیرامون علت وضع این حکم و همچنین امکان سوء استفاده از این حکم توسط برخی افراد سودجو برانگیخته است؛ بنابراین اصلاح و یا باز بینی حکم مذکور امری ضروری می باشد. به نظر در شرایط کنونی اجتماع، عقایدی که به تدریج نسبت به تساوی حقوق زن و مرد پدید آمده است ایجاب می کند که به طور کلی این ماده از مقررات جزائی حذف شود یا دست کم به جای آن ماده ای تهیه شود که مطابق آن اگر مرد یا زن، همسر خود را عملاً در حال خیانت ببیند و تحت تاثیر احساسات برانگیخته شده آنی مرتکب جرمی علیه همسر و رفیق یا رفیقه او شود عمل او مشمول کیفیات مخففه یا مجازات کمتری شود نه این که به طور کلی از مجازات معاف شود.

همچنین از بررسی فقهی که در این زمینه انجام شد معلوم شد آنچه قابل استناد است انجام قتل برای زوج بدون نیاز به حکم دادگاه می باشد؛ اما در مقام اثبات، زوج باید با اقامه شاهد و بینه در محضر دادگاه بتواند این امر را اثبات نماید. در این حال تعداد بینه و شاهد با توجه به نظر مشهور شهادت دو عادل است و مانند سایر موارد زنا نیاز به چهار شاهد ندارد.

منابع

۱. ابن براج، عبد العزیز: «المهذب البارع فی شرح المختصر النافع»، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۶ ق.
۲. اردبیلی، ملا احمد: «مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان»، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۶ ق.
۳. حرّ عاملی، محمد بن الحسن: «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة»، (۳۰ جلدی) مؤسسه آل البیت، قم، چ دوم، ۱۴۱۴ق.
۴. حلی، جمال الدین: «قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام»، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵. حلی، شیخ جعفر: «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام»، انتشارات استقلال، تهران، چ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۶. حلی، یوسف بن مطهر: «ارشاد الاذهان الی احکام الایمان»، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چ اول، ۱۴۱۰ ق.
۷. خمینی (ره)، سید روح الله: «تحریر الوسیله»، مکتبه اعتماد، قم، چ چهارم، ۱۴۰۳ ق.

۸. خوانساری، سید احمد: «جامع المدارک فی شرح المختصر النافع»، مکتبۃ الصدوق، چ دوم، ۱۳۵۵.
۹. خوبی، سید ابوالقاسم: «مبانی تکلمۃ المنهاج»، دارالزهراء، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. صدوق، ابن بابویه «من لایحضره الفقیه»، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. طباطبایی، سید علی: «ریاض المسائل فی تحریر الاحکام بالدلائل»، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. طوسی، ابو جعفر: «تهذیب الاحکام»، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن: «النهایه»، انتشارات قوی محمدی، قم، بی تا.
۱۴. عاملی (الشهید الأول)، ابو عبدالله محمد بن مکی: «الدروس الشرعیه»، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. عاملی (الشهید الأول)، ابو عبدالله محمد بن مکی: «اللمعه دمشقیه»، دار الفکر، قم، چ اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۶. فاضل هندی، بهاء الدین محمد: «کشف اللثام»، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۵ ق.
۱۷. کلینی، یعقوب: «اصول کافی»، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۸. گلدوزیان، ایرج: «بایسته‌های حقوق جزای عمومی»، انتشارات دانشگاه تهران، چ ششم، ۱۳۸۱.
۱۹. مفید: «المقنعه»، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چ چهارم، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا: «الدر المنضود فی احکام الحدود»، تقریر علی کریمی جهرمی، دار القرآن الکریم، قم، چ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. نجفی، محمد حسن: «جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام»، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چ سوم، ۱۳۹۲.
۲۲. دست ورز، سید پوریا، ۱۳۹۵، تحلیل و بررسی رویکرد فقه امامیه و حقوق کیفری ایران در رابطه با قتل در فراش، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خمین.

Study of Imamiyeh Jurisprudence and Iran's Criminal Law Approach to Murder in Marriage Bed

Seyed Pourya Dastvarz¹, Hosein Khosravi², Samira Golkhandan³

^{1,2,3} Department of Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran

Abstract

The meaning of murder in marriage bed is killing wife and an alien man by the husband when they are fornicating; however, if the wife does not comply, the husband is permitted to kill the man who is committing adultery with his wife. This study was conducted to examine jurisprudential documents and search through various opinions and narratives of Shiaa jurists in relation with murder in marriage bed.

Keywords: Murder, Marriage Bed, Imamiyeh Jurisprudence, Iran's Law
